



Applying the Pattern of Wiene and Darbelne to Masoumeh Fateminia's Translation of the Novel Taghribat al-Qhafir



Doi:10.22067/jall.2026.98570.1654

Seyyed Ahmad Mosawi Panah¹ 

Assistant professor Of Arabic language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Mahmoud Moslemi 

Assistant Professor in the Department of Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Ali Hazabizadeh 

PhD Student of Arabic Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 22 April 2026 ■ Received in Revised form: 14 July 2026 ■ Accepted: 15 July 2026

Abstract

Analyzing how novels are translated has attracted considerable attention over the last two centuries. Translation and translation criticism theorists have proposed various methods for translation analysis, the most important of which is the theory of Wiene and Darbelne. In this study, given the importance of translation criticism, the novel "Taghribat al-Qafir" was analyzed and evaluated. Such studies can equip translators with knowledge of translation models and theories so they can produce appropriate translations. Using the descriptive-analytical method, Masoumeh Fateminia's translation of the book "Taghribat al-Qafir" by Zahran al-Qasimi was analyzed based on the theory of Wiene and Darbelne, and the quality of the novel's translation was examined. The results showed that the translator sometimes used methods such as word-for-word translation and borrowing to bring the translation closer to the source language, and sometimes used other techniques such as balance and change of expression to bring it closer to the target language. The translator's complete familiarity with the source and target cultures and languages, has led to a familiar translation. It shows that the conscious use of translation theories, especially the Wiene and Darbelne models, can play a fundamental and decisive role in improving the quality of the translation of contemporary Arabic novels into Persian, reducing the cultural gap between the two linguistic communities, increasing the Persian-speaking audience's perception of the stylistic nuances of the original text, and expanding comparative studies in the field of fiction.

Keywords: translation criticism, Wiene and Darbelne Model, Zahran Al-Qasimi, Taghribat al-Qafir

1- Corresponding author. Email: s.ahmadmosawipanah@scu.ac.ir

زبان و ادبیات عربی، دوره هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۶) پاییز ۱۴۰۵، صص: ۵۹-۴۱

کاربست نظریه وینه و داربلنه بر ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی



(پژوهشی)



سیداحمد موسوی پناه^۱  (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)
محمود مسلمی  (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)
علی حزایی زاده  (دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

Doi:10.22067/jall.2026.98570.1654

چکیده

تحلیل چگونگی ترجمه رمان در دو سده اخیر، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. نظریه پردازان حوزه ترجمه و نقد آن، شیوه‌های متنوعی برای بررسی برگردان متون عرضه داشته‌اند که در این میان، الگوی وینه و داربلنه از جایگاهی برجسته برخوردار است. پژوهش پیش‌رو با تأکید بر ضرورت نقد ترجمه، به ارزیابی برگردان رمان «تغریبه القافر» پرداخته است. این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند زمینه‌ساز آشنایی مترجمان با الگوهای نظری ترجمه شود تا برگردان‌های مناسب‌تری ارائه گردد. بر پایه روش توصیفی - تحلیلی، ترجمه معصومه فاطمی‌نیا از کتاب یادشده، اثر زهران قاسمی، با تکیه بر دیدگاه وینه و داربلنه بررسی و کیفیت آن تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مترجم گاه با کاربست شیوه‌هایی چون ترجمه تحت‌اللفظی و وام‌گیری، متن ترجمه را به زبان مبدأ نزدیک می‌کند و گاه با بهره‌گیری از فنونی نظیر برابریابی و دگرگونی بیانی، برگردان خود را به زبان مقصد نزدیک می‌سازد. تسلط کامل مترجم بر فرهنگ و زبان دو سوی ترجمه، به تولید متنی مانوس انجامیده است. این امر آشکار می‌سازد که کاربست آگاهانه نظریه‌های ترجمه، به‌ویژه الگوی وینه و داربلنه، در ارتقای کیفیت برگردان رمان‌های معاصر عربی به فارسی، کاهش فاصله فرهنگی میان دو جامعه زبانی، بهبود دریافت مخاطب فارسی‌زبان از نکات سبک‌شناختی متن اصلی و نیز گسترش مطالعات تطبیقی در حوزه داستان، نقشی اساسی و تعیین‌کننده ایفا می‌کند.

کلید واژه‌ها: نقد ترجمه، الگوی وینه و داربلنه، زهران القاسمی، تغریبه القافر.

۱. مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم، نگرشی نوین نسبت به ترجمه متون ادبی در میان پژوهشگران حوزه ترجمه‌شناسی شکل گرفت. این رویکرد که ابتدا در کشورهای اروپایی مانند انگلستان و بلژیک گسترش یافت (ونوتی، ۱۹۹۵: ۴۷)، بر دو محور اصلی استوار بود: نخست، چگونگی ارائه ترجمه‌ای صحیح و دوم، تحلیل فرایند انجام ترجمه در عمل. بر اساس این دیدگاه، پژوهش در حوزه ترجمه صرفاً به تحلیل کیفی ترجمه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه میزان تطابق آن‌ها با اصول علمی ترجمه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد امکان شناسایی نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها را فراهم می‌آورد و شاخص‌های ترجمه مطلوب را روشن تر می‌سازد. در این چارچوب، نظریه‌پردازان ترجمه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول، «مبدأگرایان» هستند که بر حفظ شباهت ساختاری، محتوایی و سبکی میان متن مبدأ و مقصد تأکید دارند و موفقیت ترجمه را بر مبنای نزدیکی هرچه بیشتر به متن اصلی می‌سنجند (نایدا، ۱۹۶۴: ۱۵۹). دسته دوم، «مقصدگرایان» می‌باشند که تمرکز آن‌ها بر انتقال دقیق معنا با استفاده از زبان، ساختار و سبک متن مقصد است و وفاداری به فرم زبان مبدأ را ضروری نمی‌دانند؛ بلکه سازگاری ترجمه با فرهنگ و ذهنیت مخاطب مقصد را در اولویت قرار می‌دهند (لون، ۲۰۱۳: ۱۰۴). در راستای تلاش برای ارزیابی نظام‌مند ترجمه‌ها، نظریه‌های متعددی در زمینه نقد و تحلیل ترجمه مطرح شده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظریه ژان پل وینه و ژان داربلنه است. از دید این نظریه، ترجمه فرایندی پیچیده و چندلایه است که مترجم به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه از این تکنیک‌ها بهره می‌گیرد.

با توجه به کاربرد گسترده این نظریه در تحلیل ترجمه‌های ادبی و ظرفیت آن در سنجش میزان وفاداری یا خلاقیت مترجم، پژوهش حاضر به بررسی ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر» نوشته زهران القاسمی می‌پردازد که توسط معصومه فاطمی نیا با عنوان «پیشگوی شگفت‌انگیز» انجام شده است.

این رمان، روایتی بومی از زندگی مردم عمان ارائه می‌دهد و در بستر فرهنگی- اجتماعی خاصی رخ می‌دهد که تحلیل ترجمه آن نیازمند توجه دقیق به زمینه‌های زبانی و فرهنگی متن مبدأ و مقصد است. انتخاب این اثر به دلیل ویژگی‌های زبانی، فرهنگی و محتوایی منحصر به فرد آن صورت گرفته که امکان ارزیابی میزان کاربست نظریه وینه و داربلنه در ترجمه را فراهم می‌کند. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که در میان هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه، کدام یک در ترجمه این رمان بیشتر به کار رفته است؟ همچنین بر اساس فرض‌های پژوهش، انتظار می‌رود ترجمه مورد بررسی شامل تمام تکنیک‌های این نظریه باشد؛ هرچند به دلیل تفاوت‌های فرهنگی میان زبان عربی و فارسی، کاربرد تکنیک‌هایی مانند معادل‌یابی، قرض‌گیری و گرته‌برداری در آن پررنگ‌تر باشد.

۱-۱. پرسش پژوهش

از میان هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه کدام یک در ترجمه فارسی معصومه فاطمی نیا از رمان «تغریبه القافر» بیشترین بسامد را دارد؟

۱-۲. فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و ساختاری میان دو زبان عربی و فارسی از یک سو و اشتراکات زبانی و دینی

آن‌ها از سوی دیگر، مترجم در ترجمه رمان «تغریبه القافر» از تمامی هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه استفاده کرده است؛ با این حال، پیش‌بینی می‌شود تکنیک‌های قرض‌گیری، گره‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی (روش‌های ترجمه مستقیم/مبدآگرا) بیشترین بسامد را داشته باشند، در حالی که تکنیک همانندسازی (تطبیق) به دلیل اشتراکات فرهنگی نسبتاً زیاد میان دو جهان عربی و فارسی، کمترین کاربرد یا حتی فاقد کاربرد باشد.

۱-۳. هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و ارزیابی کمی و کیفی ترجمه فارسی معصومه فاطمی‌نیا از رمان «تغریبه القافر» اثر زهران القاسمی بر اساس الگوی هفت‌گانه وینه و داربلنه است تا مشخص شود مترجم در این اثر از کدام یک از تکنیک‌های مستقیم و غیرمستقیم بیشتر بهره برده و سبک غالب ترجمه او به مبدآگرایی نزدیک‌تر است یا مقصدگرایی. همچنین این پژوهش در پی آن است که نشان دهد آیا کاربرد هر تکنیک ناشی از تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی میان دو زبان عربی و فارسی بوده یا متأثر از سلیقه و رویکرد شخصی مترجم است. در نهایت، پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف ترجمه، کارآمدی نظریه وینه و داربلنه را به عنوان ابزاری نظام‌مند برای نقد ترجمه‌های ادبی معاصر (به‌ویژه از عربی به فارسی) به اثبات برساند و زمینه را برای آگاه‌تر شدن مترجمان نسبت به الگوهای علمی ترجمه فراهم آورد.

۱-۴. پیشینه پژوهش

نظریه وینه و داربلنه یکی از مدل‌های برجسته در تحلیل ترجمه است که پژوهشگران متعددی از آن برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی و غیرادبی بهره گرفته‌اند. در سال‌های اخیر، این نظریه با رویکرد توصیفی و تطبیقی خود، بستر مناسبی برای تحلیل ساختاری و معنایی ترجمه‌ها فراهم کرده است. در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده‌اند مرور می‌شود تا جایگاه تحقیق حاضر در میان مطالعات پیشین مشخص گردد.

از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «تغییر بیان و فاخرگویی در ترجمه از فارسی به عربی بر اساس نظریه وینه و داربلنه» نوشته حیدری (۱۳۹۸) اشاره کرد. این مقاله به بررسی تکنیک تغییر بیان در ترجمه‌های فارسی به عربی پرداخته و نشان داده است که هرچه فاصله فرهنگی بین زبان مبدأ و مقصد بیشتر باشد، ترجمه‌ها بیشتر به سمت تغییر در بیان و ساختار سوق پیدا می‌کنند. با این حال، این پژوهش تنها بر یکی از تکنیک‌های نظریه تمرکز دارد و به دیگر تکنیک‌های مدل هفت‌گانه توجهی نشده است.

در مطالعه‌ای دیگر، نیازی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «واکاوی بخشی از ترجمه رمان الشحاذ» اثر نجیب محفوظ، ترجمه فارسی آن را بر اساس نظریه وینه و داربلنه بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مترجم از تمامی تکنیک‌های نظریه استفاده کرده، ولی تکنیک‌هایی چون جابجایی، معادل‌یابی و اقتباس بیش از سایر روش‌ها به کار رفته‌اند. این پژوهش از جمله معدود تحقیقاتی است که به‌صورت جامع به همه تکنیک‌های نظریه پرداخته است.

مقاله «واکاوی ترجمه گرمارودی از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر» نوشته اسماعیلی طاهری و دیگران (۱۳۹۷) نیز یکی دیگر از پژوهش‌های قابل‌توجه در این زمینه است. در این مقاله، تمرکز بر کاربرد تکنیک‌های ترجمه مستقیم مانند

واژه‌گزینی سره و ساده بوده، اما نویسندگان نتیجه‌گیری خود را به کل سبک ترجمه گرامرودی تعمیم داده‌اند که می‌تواند محل نقد باشد.

در پژوهشی دیگر، نورسیده و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقد ترجمه عربی رمان مدیر مدرسه» به تحلیل ترجمه‌ای از عادل عبدالمنعم سویلم بر اساس نظریه وینه و داربلنه پرداختند. این مطالعه نشان داد که مترجم با تکیه بر زبان مقصد، سعی در ایجاد ترجمه‌ای روان و مخاطب‌محور داشته است. استفاده از تکنیک‌هایی نظیر معادل‌یابی و تغییر معنایی در این ترجمه، بر تسهیل فهم مخاطب تأثیرگذار بوده است.

در پژوهشی دیگر، شهبازی و پارسایی‌پور (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تعریب داستان «شاه و کنیزک» مثنوی با تکیه بر الگوی وینه و داربلنه (موردپژوهی: مقایسه ترجمه منظوم هاشمی و جواهری)»؛ پژوهشگران در این مقاله به بررسی داستان شاه و کنیزک بر پایه هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه پرداختند که نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که ترجمه جواهری به‌دلیل بهره‌گیری بیشتر از روش‌های ترجمه مستقیم، به متن زبان مبدأ نزدیک‌تر بوده است.

در مقاله‌ای دیگر آهنگ‌نژاد (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی ترجمه «أصداء السيرة الذاتية» نجیب محفوظ (با تکیه بر نظریه وینه و داربلنه)» به نقد و بررسی بخشی از رمان یاد شده پرداخته و اشتباهات و لغزش‌هایی که مترجم بدان دچار شده است را تبیین کرده است.

با وجود این پژوهش‌ها، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که تاکنون ترجمه فارسی رمان تغریبه القافر اثر زهران القاسمی، بر اساس نظریه وینه و داربلنه تحلیل و ارزیابی نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر از یک‌سو درصدد پر کردن این خلأ علمی در زمینه نقد ترجمه‌های معاصر است و از سوی دیگر می‌کوشد با بهره‌گیری از چارچوب نظری وینه و داربلنه، به بررسی میزان کاربرد تکنیک‌های هفت‌گانه این نظریه در ترجمه یادشده بپردازد.

همچنین پیرامون مهمترین پژوهش‌هایی که به بررسی رمان مورد مطالعه پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر را اشاره کرد:

مینا نیک‌جو و دیگران (۱۴۰۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی مؤلفه‌های شناختی- روانکاوانه نورمن هالند در خوانش رمان‌های پسامدرن عربی» که در مجله لسان مبین قزوین منتشر شده است؛ به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های مجذوبیت، تجربه دوگانه و واپس‌روی در مواجهه با روایت‌های نامنسجم، موجب همسان‌سازی عاطفی خواننده با شخصیت‌ها می‌شوند. مهم‌ترین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خواننده میان قاعده لذت و قاعده واقعیت دست‌به‌گریبان می‌گردد و این کشمکش، سیستم عصبی خودآگاه و ناخودآگاه را فعال می‌سازد. همچنین، خوانندگان با تجربه پیشین، واپس‌روی ذهنی کمتری از خود نشان می‌دهند.

مسلم‌پور رخینه و دیگران (۱۴۰۵) در پژوهشی با عنوان «نقد ترجمه فارسی رمان تغریبه القافر اثر زهران القاسمی بر اساس نظریه گارسس» که در مجله مطالعات میان رشته‌ای در زبان ادبیات عربی و فارسی منتشر شده است؛ به تحلیل و ارزیابی ترجمه معصومه فاطمی‌نیا پرداخته است. مهم‌ترین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه مورد نظر در سطح واژگانی و دستوری از عملکرد نسبتاً مطلوبی برخوردار است، اما در سطح نشانه‌شناختی و فرهنگی، به دلیل ناآشنایی مترجم با برخی بافت‌های بومی جامعه عمان، دچار نارسایی‌هایی شده است. همچنین، بر اساس الگوی گارسس، بیشترین کاربست تکنیک‌ها در حوزه «ترجمه آزاد» (بدون تغییر معنادار در محتوا) بوده و کمترین میزان موفقیت مربوط به انتقال «عناصر فرهنگی- اجتماعی» متن مبدأ گزارش شده است.

۱-۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا چارچوب نظریه وینه و داربلنه (شامل هفت تکنیک قرض‌گیری، گرده‌برداری، ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر مقوله، تغییر معنایی، معادل‌یابی و همانندسازی) را تبیین، سپس نمونه‌هایی هدفمند از ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر» (ترجمه معصومه فاطمی‌نیا) را تحلیل می‌کند تا میزان انطباق با هر تکنیک و غلبه روش مستقیم (سه تکنیک نخست) یا غیرمستقیم (چهار تکنیک بعدی) مشخص شود. با توجه به یکدستی نسبی ترجمه، نمونه‌های منتخب بازنمای خوبی از کل اثرند. هدف نهایی، تعیین هماهنگی ترجمه با نظریه وینه و داربلنه و شناسایی تکنیک‌های غالب است.

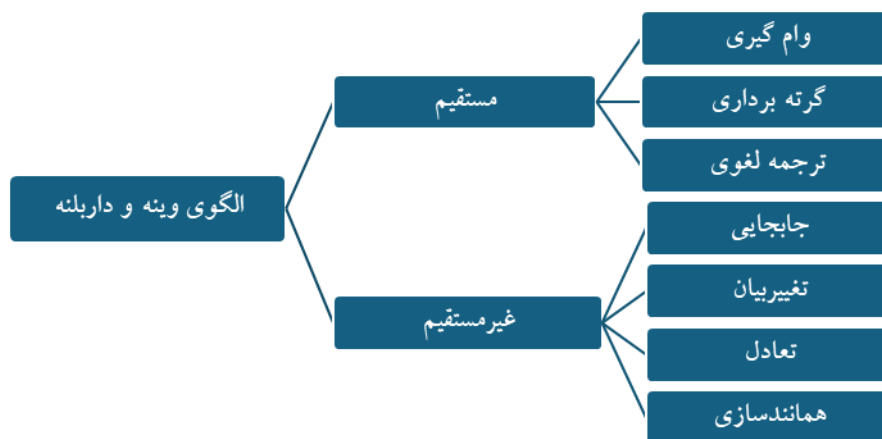
۲. مبانی نظری

در حوزه نقد ترجمه، نظریه‌پردازان مختلفی تلاش کرده‌اند تا با ارائه چارچوب‌های تحلیلی، فرآیند پیچیده ترجمه را تبیین و ارزیابی کنند. یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این نظریه‌ها، نظریه ژان پل وینه و ژان داربلنه است که نخستین‌بار در کتاب مشترک آن‌ها با عنوان «سبک‌شناسی تطبیقی زبان‌های فرانسوی و انگلیسی (۱۹۹۵)» مطرح شد. اگرچه این کتاب صرفاً بر زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تمرکز داشت، اما تأثیرات گسترده‌ای بر حوزه ترجمه برجای گذاشت (رک: ماندی، ۱۳۸۹). این نظریه بر تحلیل تقابلی زبان‌ها و بررسی ساختارهای زبانی در زبان‌های مبدأ و مقصد استوار است و جایگاه برجسته‌ای در مطالعات ترجمه دارد.

وینه و داربلنه ترجمه را تنها جابه‌جایی واژگان نمی‌دانند، بلکه آن را فرآیندی چندلایه معرفی می‌کنند که در آن مترجم باید هم به ساختارهای زبانی و هم به تفاوت‌های فرهنگی توجه داشته باشد. این نظریه دو روش کلی ترجمه را ارائه می‌دهد: روش مستقیم^۴ که زمانی به‌کار می‌رود که ساختارهای زبان مبدأ و مقصد قابل مقایسه باشند و شامل سه تکنیک قرض‌گیری، گرده‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی است؛ و روش غیرمستقیم^۵ که در مواردی کاربرد دارد که زبان مبدأ و مقصد از نظر ساختاری یا فرهنگی فاصله زیادی دارند و ترجمه مستقیم موجب بیگانگی یا عدم فهم می‌شود. روش غیرمستقیم شامل چهار تکنیک تغییر مقوله، تغییر معنایی، معادل‌یابی و همانندسازی یا تطبیق است (Venuti, Lawrence, 2004: 8).

وینه و داربلنه تأکید می‌کنند که ترجمه موفق استفاده آگاهانه و هدفمند از این هفت تکنیک است؛ مترجم بسته به موقعیت، بافت، سبک و هدف متن، این تکنیک‌ها را انتخاب و ترکیب می‌کند (همان، ۱۳۸۹: ۶۵). این تکنیک‌ها عبارتند از: قرض‌گیری (استفاده از واژه یا عبارت زبان مبدأ بدون تغییر مانند تلفن و رادیو)، گرده‌برداری (ترجمه جزء به جزء اصطلاح، مانند آسمان‌خراش^۶)، ترجمه تحت‌اللفظی (ترجمه واژه به واژه با حفظ ساختار اصلی در صورت سازگاری زبانی)، تغییر مقوله (تغییر نقش دستوری بدون تغییر معنا مانند تبدیل اسم به فعل)، تغییر معنایی (تغییر زاویه دید یا ساختار جمله برای رساندن معنا)، معادل‌یابی (یافتن اصطلاح یا ضرب‌المثل مشابه در زبان مقصد) و تطبیق یا همانندسازی (جایگزینی عناصر فرهنگی زبان مبدأ با عناصر آشنای زبان مقصد) (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۷۸).

مزیت مهم نظریه وینه و داربلنه، انعطاف‌پذیری آن در برابر تفاوت‌های زبانی و فرهنگی است که امکان تحلیل دقیق ترجمه‌ها از منظر میزان وفاداری به زبان مبدأ یا گرایش به زبان مقصد را فراهم می‌آورد. بر این اساس، ترجمه‌ها را می‌توان بر اساس ترکیب روش‌ها و تکنیک‌ها به گرایش‌های «مبدأ‌گرایانه» یا «مقصد‌گرایانه» دسته‌بندی کرد.



شکل ۱: الگوی ارزیابی ترجمه وینه و داربلنه (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۴۸)

۳. بحث و تحلیل

در این پژوهش، نمونه‌های تحلیل شده از ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر» به صورت هدفمند^۷ انتخاب شده‌اند. مبنای این انتخاب، قابلیت کاربرد تکنیک‌های نظریه وینه و داربلنه بر هر نمونه بوده است. به عبارت دیگر، جملاتی از ترجمه که از نظر ساختار زبانی، فرهنگی یا سبک نگارشی پیچیده‌تر بوده و امکان تحلیل یکی یا چند مورد از تکنیک‌های هفت‌گانه نظریه را فراهم می‌کردند، در اولویت قرار گرفتند؛ زیرا بررسی تمامی مثال‌ها و نمونه‌ها مستلزم صرف فضای بسیار زیاد و خارج از چارچوب یک مقاله است. بنابراین، پژوهشگر تمرکز خود را بر انتخاب مجموعه‌ای از مثال‌های کلیدی و نمادین قرار داده تا بتواند به صورت منطقی و نظام‌مند، فرآیند ترجمه را به دقت ارزیابی کند.

این رویکرد که مبتنی بر استقراء است، اجازه می‌دهد با استفاده از تعداد محدودی از نمونه‌های منتخب، به طور عقلانی و استدلالی درباره کیفیت و صحت ترجمه قضاوت شود. به بیان دیگر، به جای بررسی تک‌تک نمونه‌ها که به دلیل پراکندگی و تعدد بسیار زیاد، «عملی و مقرون به صرفه» نیست، تمرکز بر مواردی است که نماینده الگوهای مختلف در ترجمه باشند و از طریق آن‌ها ارزیابی علمی و منطقی صورت گیرد.

۳-۱. قرض‌گیری

قرض‌گیری یکی از راهکارهای مهم مورد استفاده مترجمان است که وینه و داربلنه نیز آن را جزو هفت مؤلفه نظریه خود لحاظ کرده‌اند. این تکنیک را می‌توان ساده‌ترین تکنیک از هفت تکنیک نظریه آنان دانست. منظور از قرض‌گیری این است که «کلمه یا اصطلاح بدون ایجاد هرگونه تغییری در آن، خود عیناً وارد زبان مقصد شود و با حروف زبان مقصد نگاشته شود» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۸۵). واژه‌هایی که از طریق قرض‌گیری وارد زبان مقصد می‌شوند را واژه‌های دخیل می‌گویند که پس از مدتی در فهرست واژه‌های صحیح و عامیانه زبان مقصد قرار می‌گیرند. البته واژه در صورتی وارد فهرست واژه‌های صحیح زبان مقصد می‌شود که به کارگیری آن کلمه در زبان مقصد تعمیم یابد. تکنیک قرض‌گیری به دو صورت است: مورد اول آن جایی است که در زبان مقصد معادلی برای کلمه زبان مبدأ وجود نداشته باشد لذا مترجم ناچار به استفاده از تکنیک قرض‌گیری می‌شود و کلمه زبان مبدأ را عیناً به زبان مقصد منتقل می‌کند. مورد دوم هنگامی است که در زبان مقصد معادلی برای واژه

مورد نظر باشد اما مترجم تمایل دارد که از کلمه زبان مبدأ استفاده کند تا ترجمه خود را با رنگ و بویی از کلمات مبدأ دلنشین سازند. از جمله دلایل مهم قرض‌گیری را می‌توان «روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، عوامل جغرافیایی و برخوردهای نظامی دانست» (عزیز محمدی، ۱۳۸۲: ۷۱).

به عنوان نمونه، کلمه Bank در زبان انگلیسی وارد زبان عربی و زبان فارسی شده است. ورود این کلمه به زبان فارسی را می‌توان بر اساس مورد نخست تکنیک قرض‌گیری دانست؛ زیرا در زبان فارسی معادلی برای آن وجود ندارد، لذا از خود کلمه با الفبای زبان مقصد استفاده شده است. اما «این کلمه در زبان عربی معادل دارد و آن کلمه «المصرف» می‌باشد» (معروف، ۱۳۹۸: ۶۵). با این حال برخی مترجمان در ترجمه خود از کلمه «البنك» که معرب Bank می‌باشد استفاده می‌کنند که دلیل آن را می‌توان علاقه مترجمان به استفاده از کلمات جدید و واژگانی که به زبان مقصد نزدیک‌تر باشند، دانست. در زیر به بررسی تکنیک قرض‌گیری در ترجمه مورد مطالعه می‌پردازیم:

۱- «يصيح في السكك بصوته الجمهوري «غريقة..... غريقة» (القاسمی، ۲۰۲۲).

با صدای بلند در خیابان‌ها فریاد می‌زد: «غریق، غریق» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲)

ترجمه پیشنهادی: با صدای بلند در کوچه‌ها فریاد می‌زد: «یکی غرق شده»

در این مورد قرض‌گیری در کلمه «غریق» اتفاق افتاده است که مترجم کلمه متن مبدأ را در ترجمه مورد استفاده قرار داده است و از معادل فارسی آن استفاده نکرده است؛ با توجه به این که فعل غرق شدن که با کلمه «غریق» هم ریشه می‌باشد در زبان فارسی به کارگرفته می‌شود اما غریق در زبان عربی یک صفت مشبیه‌ای است که استعمال آن در زبان فارسی رایج نیست. لذا مترجم می‌بایست از فعلی از ریشه غرق شدن برای ترجمه این مورد اختیار می‌کرد. اما عدم استفاده مترجم از جمله‌ای مانند «یکی غرق شده، غرق شده» و به کارگیری «غریق، غریق» به جای آن را می‌توان از لحاظ بلاغی تاویل و تفسیر کرد و ترجمه به شکل صفت را بهتر دانست؛ و آن به این دلیل است که وقتی کسی غرق شده باشد، طبیعتاً شخصی که مسئول اعلام این حادثه است دچار ترس و دلهره شده و فرصت آن را نمی‌یابد که جملات کاملی به زبان بیاورد و برای رساندن صدایش به مردم از کوتاه‌ترین کلمات استفاده می‌کند. با این حال، نقدی که بر این ترجمه وارد است این است که جناب مترجم با این خیال که واژه غریق کوتاه‌تر است همان کلمه غریق را آورده بی آن که به این موضوع توجه داشته باشد که یک خواننده فارسی با کلمه غریق آشنا نیست و به زحمت آن را می‌فهمد و اگر می‌گفت، یکی غرق شده، بهتر بود.

اشکال دیگری که مترجم در این نمونه دارد این است که در یک روستای عمان، آنقدر خیابان نیست که کسی در خیابان‌ها فریاد بزند؛ لذا می‌بایست به جای خیابان‌ها از لفظ کوچه استفاده می‌نمود.

۲- «يخرج الحي من الميت، يخرج الحي من الميت» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۵).

«يخرج الحي من الميت، يخرج الحي من الميت» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۱۵)

مترجم عبارت فوق را به زبان مقصد ترجمه نکرده بلکه عین عبارت را به زبان مبدأ نقل کرده است، و کل عبارت را از زبان مبدأ قرض‌گیری کرده باشد. اما همان‌گونه که ذکر شد یکی از دلایل استفاده از تکنیک قرض‌گیری در عین وجود معادل در زبان مقصد، این است که «مترجم می‌خواهد رنگ و بوی خارجی به ترجمه خود بدهد» (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۸). پشتمانه ذهنی که مترجم را برآن داشت تا در ترجمه نمونه فوق از روش قرض‌گیری استفاده کند این است که مترجم با استفاده از تکنیک قرض‌گیری، هنر رندانه ترجمه خود را نمایش دهد و همچنین سخن خود را با آیه‌ای از قرآن، دلنشین ساخته است زیرا

نمونه فوق تضمین به آیه: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (روم: ۱۹) می‌باشد.

۳- «مریم الغریقة هي زوجة عبدالله بن جميل «البيدار» الذي يعمل في الضواحي» (القاسمي، ۲۰۲۲: ۱۶).

«مریم غرق شده همسر عبدالله بن جمیل بیدار بود که در مزرعه‌های روستا کار می‌کرد» (فاطمی‌نیا، ۱۴۰۲: ۱۵). نمونه چهارم قرض‌گیری کلمه «البيدار» در عبارت فوق می‌باشد. البیدار در زبان عربی به شخصی اطلاق می‌شود که کارش جمع آوری خرمن‌ها از سطح زمین باشد. این کلمه از کلمه البیدر مشتق شده است. «البیدر به معنای خرمنگاه یعنی محلی که خرمن‌ها را در آن جا جمع آوری می‌کنند، می‌باشد» (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۴۶).

مترجم در برگردان عبارت «زَوْجَةُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَمِيلٍ «الْبَيْدَارِ»»، واژه «البيدار» را با حذف «ال» تعریف به صورت «بیدار» بازنمایی کرده است. این واژه در زبان عربی، صفت شغلی مشتق از «بیدر» (خرمنگاه) است و به شخصی اطلاق می‌شود که خرمن‌ها را جمع‌آوری می‌کند (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۴۶). با این حال، کارکرد این واژه در رمان القاسمی صرفاً شغلی نیست؛ بلکه به عنوان لقبی هویتی - طبقاتی، جایگاه اجتماعی پایین «عبدالله بن جمیل» را در جامعه سنتی عربی نشان می‌دهد. حذف «ال» توسط مترجم، این واژه را از یک لقب معرفه به صفتی نکره (به معنای متضاد خواب) تبدیل کرده و این توهم را ایجاد می‌کند که «عبدالله» شخصیتی هوشیار و روشن‌فکر است، در حالی که چنین نسبتی در متن اصلی وجود ندارد. لذا حفظ چنین واژگانی با پانویس تأکید دارند؛ از این رو، ترجمه «عبدالله بن جمیل البیدار» با توضیح پانویس «کارگر خرمن‌گاه؛ لقبی که به جایگاه اجتماعی شخصیت اشاره دارد» می‌تواند دقیق‌تر و امانت‌دارانه‌تر باشد.

ترجمه پیشنهادی: مریم غرق شده همسر عبدالله بن جمیل البیدار بود که در مزرعه‌های روستا کار می‌کرد. (علاوه بر اضافه کردن ال به اسم؛ باید در پاورقی به معنای کلمه اشاره می‌شد).

متن عربی	متن ترجمه	ترجمه پیشنهادی
يصبح في السكك بصوته الجهوري: «غريقة..... غريقة»	با صدای بلند در خیابان‌ها فریاد می‌زد: «غریق، غریق»	ترجمه مترجم قابل قبول است.
يخرج الحي من الميت، يخرج الحي من الميت	يخرج الحي من الميت، يخرج الحي من الميت	ترجمه مترجم قابل قبول است.
مریم الغریقة هي زوجة عبدالله بن جميل «البيدار» الذي يعمل في الضواحي	مریم غرق شده همسر عبدالله بن جمیل بیدار بود که در مزرعه‌های روستا کار می‌کرد.	مریم غرق شده همسر عبدالله بن جمیل «البيدار» بود که در مزرعه‌های روستا کار می‌کرد.

۳-۲. گرتة برداری

تکنیک بعدی در نظریه وینه و داربلنه روش گرتة برداری می‌باشد. گرتة برداری که خود «نوعی از قرض‌گیری» (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۸) محسوب می‌شود، عبارت است از «ترکیبی که اجزای آن به صورت جدا از هم از یک ترکیب خارجی ترجمه شده و درکنار هم قرارداد شده‌اند.» (نجفی، ۱۳۸۱: ۱۰). این روش که از جمله روش‌های ترجمه مستقیم محسوب می‌شود در

واقع مشابه روش قرض‌گیری می‌باشد و تفاوتی که با روش قرض‌گیری دارد این است که اولاً در قرض‌گیری عین عبارت زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شود یا این‌که حداقل بین واژه زبان مبدأ و واژه قرض‌گیری شده شباهتی وجود داشته باشد درحالی‌که در روش گرده‌برداری برخی ترکیب‌ها را که مختص زبان و فرهنگ متن مبدأ هستند را جزء به جزء ترجمه کرده و اصطلاحی در زبان مقصد برای آن‌ها می‌سازیم و شباهتی بین کلمه متن مبدأ و کلمه گرده‌برداری شده وجود ندارد. به‌عنوان مثال در زبان فارسی می‌توان کلماتی را یافت که از زبان عربی گرده‌برداری شده باشند اما هیچ‌گونه شباهتی بین این کلمات در زبان عربی و زبان فارسی وجود ندارد درحالی‌که در قرض‌گیری کلمات یا همانند هم هستند یا این‌که شباهتی را با هم دارند. این روش جدا از نظریه وینه و داربلنه از قدیم‌الایام در بین نویسندگان و مترجمان ایرانی رایج بود. «گرده‌برداری از قرن پنجم هجری در بین مترجم‌های ایرانی بوجود آمد و رفته رفته تعداد گرده‌برداری‌ها بیشتر شد» (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۵۹).

تکنیک گرده‌برداری در هر ترجمه‌ای بر دو نوع است: مورد نخست گرده‌برداری‌هایی است که در زبان فارسی از قبل انجام شده است و مترجم در ترجمه از آن‌ها استفاده می‌کند. مورد دوم شامل گرده‌برداری‌هایی است که خود مترجم آن‌ها را در ترجمه خود به وجود می‌آورد.

۱- قطعت حبل المشیمة (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۵).

بند ناف را برید (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۱۵).

در این عبارت گرده‌برداری در عبارت «حبل المشیمة» می‌باشد که این کلمه یک اصطلاح را تشکیل می‌دهد که منظور از آن «بندناف» نوزاد است. اما این کلمه ابتدا در زبان عربی وجود داشت و کاربرد «مشیمة» در زبان عربی به معنای «بچه دان» (بندرریگی، ۱۳۹۰: ۹۰۱) است و «حبل المشیمة» بند آن است. هنگامی که تبادلات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین اعراب و ایران صورت گرفت این کلمه و کلمات دیگر عربی وارد زبان فارسی شدند. لذا می‌بایست برای این کلمه‌ها معادلی در زبان فارسی یافت که برای ایرانیان قابل تلفظ باشد. به همین دلیل برخی از این کلمات را با قرض‌گیری وارد زبان فارسی کرده و برخی دیگر مانند کلمه «بندناف» درواقع گرده‌برداری شده کلمه «حبل المشیمة» می‌باشد؛ دلیل این نوع گرده‌برداری از عربی به فارسی را می‌توان علاقه مترجمان ایرانی به استفاده از فرهنگ عربی و اسلامی دانست، به همین دلیل مترجمان غالباً با استفاده از دو روش قرض‌گیری و گرده‌برداری عبارت‌هایی را از زبان عربی وارد زبان فارسی کرده‌اند.

۳-۳. ترجمه تحت اللفظی

ترجمه تحت اللفظی روش دیگری در نظریه وینه و داربلنه می‌باشد که با دو تکنیک قبل یعنی قرض‌گیری و گرده‌برداری؛ سه تکنیک ترجمه مستقیم این نظریه را تشکیل می‌دهند. در ترجمه تحت اللفظی، ترجمه به صورت واژه به واژه صورت می‌گیرد، می‌توان این نوع ترجمه را ساده‌ترین نوع ترجمه دانست. در این ترجمه هر کلمه بر اساس معادل خود در زبان مقصد ترجمه می‌شود. در ترجمه لفظ به لفظ ساختار زبان مبدأ حفظ می‌شود و ترجمه بر اساس آن صورت می‌گیرد. لذا می‌توان این نوع ترجمه را متناسب با نظر مبداءگرایان دانست. وینه و داربلنه این تکنیک که یکی از هفت تکنیک این نظریه می‌باشد را به‌عنوان روشی مناسب برای ترجمه متن‌هایی که در آن‌ها زبان مبدأ و زبان مقصد از یک ریشه زبانی باشند و فرهنگ‌های دوزبان به هم نزدیک باشند. به اعتقاد آن‌ها می‌توان در خلال ترجمه این تکنیک را به کار نگرفت و از آن چشم‌پوشی کرد و آن زمانی است

که «الزامات ساختاری مانع به کارگیری آن شده باشند و همچنین بررسی کرده باشیم که معنا کاملاً حفظ شده باشد» (ماندی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). در اینجا به بررسی مقوله ترجمه تحت‌اللفظی می‌پردازیم:

۱- «كان قلق المنتظرين عند حافة البئر يزداد» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۲).

«بر نگرانی افراد منتظر بر لب چاه افزوده می‌شد» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۱۲).

مترجم در برگردان «كان قلق المنتظرين عند حافة البئر يزداد» از راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی بهره گرفته و آن را به صورت «بر نگرانی افراد منتظر بر لب چاه افزوده می‌شد» برگردانده است. این جمله در عربی از ساختار «كان + اسم (قلق المنتظرين) + خبر فعلی (يزداد)» تشکیل شده که بر استمرار افزایش تدریجی نگرانی در گذشته دلالت دارد و مترجم با «افزوده می‌شد» این مفهوم را به درستی به فارسی منتقل کرده است. از آنجایی که ترجمه تحت‌اللفظی زمانی پذیرفتنی است که معنای ثانوی ایجاد نکند (وینه و داربلینه، ۱۹۹۵: ۶۵) و با ساختار زبان مقصد نیز سازگار باشد؛ این شرط در ترجمه فوق رعایت شده است؛ با این حال، در بافت روایی رمان که صحنه‌ای از انتظار اضطراب‌آور نزدیک چاه و ترس از هویت جنازه را روایت می‌کند، گزینه‌هایی چون «هر لحظه بر نگرانی منتظران افزوده می‌شد» یا «نگرانی منتظران پیوسته فزونی می‌گرفت» می‌توانستند حس تعلیق و فوریت متن را با تأکید بیشتری منتقل کنند. پژوهش‌های پیشین (نظری، ۱۴۰۰) نیز بر این نکته تأکید دارند که در جملات دارای «كان + مضارع»، انتخاب گزینه‌های تأکیدی می‌تواند به تقویت جنبه روایی اثر کمک کند. از این رو، اگرچه ترجمه موجود از حیث دقت معنایی و وفاداری به ساختار، ترجمه‌ای موفق است، اما برای انتقال کامل‌تر فضای تعلیق‌آمیز داستان، اندکی تقویت در سطح واژگان تأکیدی سودمند خواهد بود.

۲- اخرجت الجثة و اسبجت عند حافة البئر (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۳).

«جنازه بیرون آورده شد و آن را نزدیک دهانه چاه گذاشتند» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۱۴).

در عبارت فوق دو فعل مجهول در متن زبان مبدأ وجود دارد. مترجم فعل مجهول «اخرجت» به معنای «بیرون آوردن» را به صورت مجهول ترجمه کرده است درحالی که فعل «اسبجت» به معنای «گذاشتن» را به صورت معلوم ترجمه کرده است. لذا مترجم فعل اول را به صورت تحت‌اللفظی و فعل دوم را با درنظر گرفتن معنا ترجمه کرده است و از ترجمه لفظ به لفظ استفاده نکرده است. مترجم می‌توانست هر دو عبارت را با در نظر گرفتن معنا این گونه ترجمه کند: «جنازه را بیرون آوردند و نزد دهانه چاه گذاشتند» اما مترجم با ترجمه فعل اول به صورت تحت‌اللفظی و فعل دوم به صورت مفهومی، باعث ناهمگونی متن شده است

ترجمه پیشنهادی: جنازه بیرون آورده و نزدیک دهانه چاه قرار داده شد.

۳- «في بطنها حياة، في بطنها حياة» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۱۳).

«در شکم او زندگی است، در شکم او زندگی است» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۱۲)

مترجم در برگردان عبارت «في بطنها حياة، في بطنها حياة» از راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی بهره گرفته و آن را به صورت «در شکم او زندگی است، در شکم او زندگی است» به فارسی برگردانده است. این شیوه، که در ادامه رویکرد قرض‌گیری زبانی قابل ارزیابی است، نشان می‌دهد مترجم کوشیده است با حفظ ساختار نحوی و واژگانی زبان مبدأ، متن را به فضای بیگانه‌سازی نزدیک کند و از دخل و تصرف بی‌جا در صورت عبارت پرهیزد. تکرار جمله در متن عربی، کارکردی تأکیدی و موسیقایی دارد و مترجم با تکرار دقیق آن در فارسی، این ویژگی را تا حد مطلوبی بازآفریده است. اگرچه ترکیب «در شکم او»

ممکن است در نگاه نخست برای مخاطب فارسی‌زبان، بار معنایی صرفاً فیزیکی داشته باشد، اما در بافت روایی رمان و با توجه به فضای نمادین اثر، همین برگردان تحت‌اللفظی می‌تواند به‌خوبی حس غریبی، شگفتی و حیات نهفته در درون یک موجود یا مکان را به مخاطب منتقل کند. به عبارتی، مترجم با آگاهی از ظرفیت‌های بیگانه‌سازی در ترجمه، آگاهانه ساختار زبان مبدأ را بر روان‌سازی صرف زبان مقصد ترجیح داده است تا مخاطب را با فضای زبانی و فرهنگی متن اصلی درگیر کند. این رویکرد، هرچند از روانی کامل در فارسی برخوردار نیست، اما از حیث وفاداری به متن اصلی و انتقال لایه‌های معنایی تکرار، انتخاب قابل‌دفاعی است و با توجه به سبک کلی ترجمه و سیاق روایی رمان، کارآمد به نظر می‌رسد.

متن عربی	متن ترجمه	ترجمه پیشنهادی
كان قلق المنتظرين عند حافة البئر يزداد	بر نگرانی افراد منتظر بر لب چاه افزوده می‌شد	ترجمه ی مترجم مطلوب است
اخرجت الجثة واسيجت عند حافة البئر	جنازه بیرون آورده شد و آن را نزدیک دهانه چاه گذاشتند	جنازه بیرون آورد شد و نزدیک دهانه چاه گذاشته شد
في بطنها حياة، في بطنها حياة.	در شکم او زندگی است، در شکم او زندگی است	در ژرفنای وجودش، زندگی است... زندگی...

۳-۴. جابجایی (تغییر مقوله)

پس از بررسی سه تکنیک ترجمه مستقیم یعنی قرض‌گیری، گرت‌برداری و ترجمه تحت‌اللفظی حال وارد مؤلفه‌های ترجمه غیر مستقیم بر اساس نظریه وینه و داربلنه می‌شویم.

اولین الگو از الگوهای چهارگانه ترجمه غیر مستقیم در نظریه وینه و داربلنه تکنیک جابجایی یا تغییر مقوله می‌باشد. این تکنیک بدان معناست که مترجم در خلال ترجمه و برحسب این‌که چگونه می‌توان مفهوم متن مبدأ را بهتر منتقل کرد، می‌تواند مؤلفه‌های زبان مبدأ را در زبان مقصد رعایت نکند و از مؤلفه‌ها و نکات دستوری زبان مقصد استفاده کند. به عبارتی دیگر جابجایی جایگزینی کلمه ای متعلق به یک مقوله دستوری با کلمه‌ای متعلق به مقوله دستوری متفاوت است این روش در مقابل تکنیک ترجمه تحت‌اللفظی قرار داد و بر اساس آن ترجمه عبارات با توجه به مؤلفه‌های زبان مقصد ترجمه می‌شوند درحالی که در ترجمه تحت‌اللفظی مؤلفه‌های زبان مبدأ در ترجمه لحاظ می‌شدند. به‌عنوان مثال مترجم می‌تواند در خلال ترجمه از فارسی به عربی برخی مترادفات را ترجمه نکند یا این‌که در ترجمه جملات فعلیه از جملات اسمیه استفاده کند و بالعکس. در واقع در جابجایی واژه زبان مبدأ به واژه‌ای از زبان مقصد، که از طبقه واژگانی دیگری است، ترجمه می‌شود (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۲-۳۱). مترجم در ترجمه ناچار به استفاده از این تکنیک می‌باشد تا ترجمه مناسبی را ارائه دهد؛ وینه و داربلنه این تکنیک را «متداول‌ترین تغییر ساختاری صورت گرفته توسط مترجمان می‌دانند» (همان).

۱- «ان اهل البلدة فرحوا بالخصب الذي حل ورأوا امتلاء الوديان والشعاب، وضجت جنبات القرية بخير الجداول وتدفقت مياه الافلاج بغزارة حتى فاضت السواقي» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵).

«مردم منطقه از برکات سیل خوشحال بودند برکه‌ها و نه‌رها پر از آب شدند. صدای آبشارها در گوشه و کنار روستا طنین انداز شد و آب فراوان در قنات‌ها جوشید و جوی‌ها را لبریز کرد» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۷۰)

مترجم در ترجمه عبارت فوق از روش جابجایی استفاده کرده است. جابجایی اولی که مترجم از آن بهره برده است آن است که در عبارت «رأوا امتلاء الوديان والشعاب» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵) کلمه «رأوا» که یک فعل متعدی به معنای «دیدند» می‌باشد را ترجمه نکرده است؛ سپس عبارتی که بعد از فعل «رأوا» وجود دارد متشکل از یک مضاف و دو مضاف الیه می‌باشد که باهم یک ترکیب اضافی را شکل داده‌اند، اما مترجم آن‌ها را به صورت ترکیب اضافی به زبان فارسی برگردانده است بلکه آن‌ها را با جمله «برکه‌ها و نه‌رها پر از آب شدند» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲) که یک ترکیب اسنادی و جمله کاملی می‌باشد به فارسی ترجمه کرده است. جابجایی دیگری که در عبارت فوق وجود دارد این است که مترجم عبارت «فاضت السواقي» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵) که دارای فعل لازم است را به صورت فعل متعدی ترجمه کرده است: [آب فراوان] جوی‌ها را لبریز کرد (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۷۰). جابجایی سوم نیز در عبارت «اهل البلدة فرحوا بالخصب الذي حل» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵) می‌باشد که مترجم فعل ماضی ساده را ماضی بعید ترجمه کرده است.

این سه حالت در تکنیک جابجایی را که مترجم در خلال ترجمه آن‌ها را به کار برده است، سبب زیبایی و انسجام بیشتر متن شده است زیرا به عنوان مثال ترجمه عبارت «رأوا امتلاء الوديان والشعاب» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵) با حذف فعل «رأوا»؛ به صورت «برکه‌ها و نه‌رها پر از آب شدند» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۷۰)، زیاده‌تر و ادبی‌تر از آن است که بگوید: پرشدن برکه‌ها و نه‌رها را دیدند. همچنین جابجایی سوم که مترجم در عبارت «اهل البلدة فرحوا بالخصب الذي حل» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵) فعل ماضی ساده را ماضی بعید ترجمه کرده است نیز باعث ادبی‌تر شدن متن شده است زیرا مترجم زمان خوشحالی مردم نسبت به برکات سیل را قبل‌تر از زمانی قرار داده است که برکه‌ها و نه‌رها پر از آب شدند؛ گویی که آن‌ها قبل از این‌که ببینند که نه‌رها و برکه‌ها پر از آب شده باشند از خود نعمت باران خوشحال بودند و به برکاتی که باران با خود دارد امیدوار بودند.

۲- «يسقط على الأرض فتهرع إليه.....يفلت من قبضتها» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۶۵).

«سالم روی زمین افتاد، کاذبه خیز برداشت.....از چنگ کاذبه فرار کرد» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۶۸).

در عبارت فوق دوبار تکنیک جابجایی صورت گرفته است؛ نخست اینکه مترجم افعال مضارع متن زبان مبدأ را به صورت ماضی ساده ترجمه کرده است. درواقع چون سخن از گذشته می‌باشد ترجمه به صورت ماضی بهتر است. اما دلیل این‌که نویسنده این بخش از رمان را با فعل ماضی ذکر نکرده است آن است که در ادبیات عرب و هر زبان دیگری، که بخواهیم در گذشته انجام شده است را جنبه عینی بدهیم و به خیال و ذهن خواننده و یا شنونده نزدیک‌تر سازیم آن را به صورت حال و مضارع ذکر می‌کنیم لذا نویسنده رمان نیز بر این اساس افعال این قسمت را مضارع آورده است. مورد دوم جابجایی آن است که مترجم برای اینکه رشته کلام از خواننده قطع نشود فاعل دو فعل «افتاد» و «خیز برداشت» را در کلام ذکر کرد درحالی که در متن زبان مبدأ فاعل ضمیر مستتر می‌باشد.

ترجمه پیشنهادی: روی زمین افتاد. (کاذبه) بی‌اختیار به سمتش دوید، هراسان و با دستانی گشوده... اما...از میان انگشتانش لغزید و گریخت.

متن عربی	متن ترجمه	ترجمه پیشنهادی
ان اهل البلدة فرحوا بالخصب الذي حل و رأوا امتلاء الوديان والشعاب، وضجت جنبات القرية بخير الجداول وتدفت مياه الافلاج بغزارة حتى فاضت السواقي	مردم منطقه از برکات سیل خوشحال بودند برکه‌ها و نهرها پر از آب شدند. صدای آبشارها در گوشه و کنار روستا طنین انداز شد و آب فراوان در قنات‌ها جوشید و جوی‌ها را لبریز کرد	ترجمه مطلوب است
يسقط على الأرض فتهرع إليه... يفلت من قبضتها	سالم روی زمین افتاد، کاذبه خیز برداشت... از چنگ کاذبه فرار کرد	روی زمین افتاد. زنش (کاذبه) بی اختیار به سمتش دوید، هراسان و با دستانی گشوده... اما... از میان انگشتانش لغزید و گریخت.

۳-۵. تغییر بیان یا تغییر معنایی

تکنیک پنجم از هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه تغییر بیان است؛ تغییر بیان «تغییر صورت پیام در نتیجه تغییر زاویه دید» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۳۴) است؛ تغییر بیان درواقع شیونه‌ای است که مترجم را وادار به ایجاد تغییر در زاویه دید پیام و نحوه بیان آن می‌کند. استفاده صحیح و بجا از این تکنیک نشان دهنده تبحر مترجم است. در تغییر بیان مترجم با دور شدن از زبان مبدأ وارد حیطه مقصدگرایان می‌شود و تلاش می‌کند که معنا و مفهوم نه به زبان اصلی بلکه متناسب با خواننده زبان مقصد باشد. به اعتقاد وینه و داربلنه این تکنیک «سنگ محک یک مترجم است. تعریف دیگری که برای روش پنجم از نظریه وینه و داربلنه یعنی تغییر بیان وجود دارد این است که تغییر در شکل زبان مبدأ هنگام قالب‌ریزی آن در زبان مقصد است با هدف انتقال بهتر پیام به مخاطب از جمله عواملی که در میزان استفاده از روش تغییر تاثیر دارند» تفاوت‌های فرهنگی دو زبان، زمان تألیف و زمان ترجمه» (همان: ۳۴) می‌باشند.

وینه و داربلنه برای تغییر بیان زیرمجموعه‌هایی را قرار داده‌اند؛ که مترجم با استفاده از آن‌ها روش تغییر بیان را در ترجمه خود بکار می‌گیرد، مانند: «بیان علت به جای معلول، کاربرد اسم مکان به جای اسم زمان، بیان جزء به جای کل» (خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۸).

۱- «کان سالم بن عبدالله یصادف سلام ود عامور فی طرقات القرية، ويشعر برابطة تشده إليه» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۸۳).
«هر بار که سالم بن عبدالله در کوچه‌های روستا سلام بن عامور را می‌دید و احساس می‌کرد چیزی در شخصیت سلام وجود دارد که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۸۵).

ترجمه پیشنهادی: سالم بن عبدالله در کوچه‌های روستا سلام بن عامور را می‌دید و احساس می‌کرد چیزی در شخصیت سلام وجود دارد که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

مترجم در برگردان «کان سالم بن عبدالله یصادف سلام ود عامور...» از ساختار شرطی «هر بار که» استفاده کرده است تا مفهوم تکرار و استمرار فعل در گذشته را به فارسی منتقل کند. در زبان عربی، ترکیب «کان + مضارع» دلالت بر استمرار وقوع رویداد در طول زمان دارد و «هر بار که» در فارسی، تا حدی این معنا را بازآفرینی می‌کند. با این حال، تفاوت ظریفی میان

«هر بار که» (تأکید بر دفعات وقوع) و «همواره» یا «مرتباً» (تأکید بر استمرار جریان) وجود دارد که در بافت روایی رمان، به‌ویژه در شکل‌گیری تدریجی رابطه عاطفی بین دو شخصیت، حائز اهمیت است. لذا در چنین مواردی، انتخاب هر یک از این گزینه‌ها می‌تواند برداشت مخاطب از شخصیت‌پردازی را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، اگرچه ترجمه «هر بار که» از حیث انتقال حس تکرار قابل دفاع است، اما گزینه‌هایی چون «مرتباً» یا «همواره» به‌روح استمراری متن اصلی نزدیک‌ترند و از تحمیل ظرف زمانی گسسته‌نما بر جمله می‌کاهند.

متن اصلی: «تغریبه القافر»

متن ترجمه: «پیشگوی شگفت انگیز»

ترجمه پیشنهادی: «تبعید پیشگو»

مترجم عنوان این رمان را «پیشگوی شگفت‌انگیز» برگزیده است؛ انتخابی که به‌وضوح رویکردی سلیقه‌ای و تا حدودی دور از محتوای اصلی متن مبدأ را نشان می‌دهد. عنوان اصلی «تغریبه القافر» در زبان عربی بار معنایی تبعید، کوچ اجباری و غربت را با خود حمل می‌کند و واژه «قافر» نیز به شخصی اطلاق می‌شود که با نوعی طردشدگی اجتماعی یا سرگردانی در بیابان همراه است. در چنین بافتاری، برگردان «تبعید پیشگو» نه تنها از نظر ساختاری به ساختار زبان مبدأ نزدیک‌تر است، بلکه از حیث معنایی نیز با درونمایه اصلی رمان که پیرامون آوارگی، جدایی و حسرت می‌چرخد، هماهنگی بیشتری دارد. در مقابل، عنوان «پیشگوی شگفت‌انگیز» ضمن دورشدن از لایه‌های معنایی متن اصلی، حس غربت و جبر جغرافیایی نهفته در داستان را مخدوش می‌کند و به عبارتی از عمق تراژیک روایت می‌کاهد. بنابراین، به نظر می‌رسد ترجمه «تبعید پیشگو» گزینه‌های دقیق‌تر، وفادارانه‌تر و همسوتر با فضای کلی اثر باشد.

۳-۶. تعادل (معادل‌یابی)

یکی دیگر از تکنیک‌های هفتگانه نظریه وینه و داربلنه تکنیک معادل‌یابی است. به اعتقاد وینه و داربلنه این تکنیک عبارت است از: «سخن گفتن از پدیده‌ای در زبان مقصد با سبک و ساختاری که در زبان مبدأ وجود ندارد» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۵۲). مقصود از این تکنیک این است که «زبان‌ها موقعیت یکسان را با ساختار و سبکی متفاوت توصیف کنند» (ماندی، ۱۳۹۱: ۹۵). در این روش برای ترجمه یک جمله و عبارت ممکن است ترجمه تحت‌اللفظی آن یا گزیده‌برداری مفهوم را نرساند لذا مترجم ناگزیر است از اصطلاحی در زبان مقصد استفاده کند و برای جمله زبان مبدأ معادل یابد. تعادل به‌خصوص در ترجمه اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌ها مفید است.

۱- «في أحد الأيام أمسكه المعلم من قفاه بيد من حديد وراح يسوطه على ظهره واطرافه» (القاسمي، ۲۰۲۲: ۸۰).

«روزی معلم با شلاق به جان او افتاد» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۹۸).

مترجم با بهره‌گیری از راهبرد معادل‌یابی فشرده، عبارت «أمسكه المعلم من قفاه بيد من حديد وراح يسوطه على ظهره و اطرافه» را به‌صورت «معلم با شلاق به جان او افتاد» برگردانده است. این انتخاب، اگرچه از روانی قابل‌قبولی در فارسی برخوردار است و حس خشونت را منتقل می‌کند، اما با حذف جزئیات بصری کلیدی مانند «گرفتن پشت گردن» و «دست آهنین» که در فرهنگ عربی بار نمادین سلطه و تحقیر دارند، از غنای تصویری متن اصلی می‌کاهد. پژوهش‌های علمی پیشین نشان داده است که در مواجهه با چنین عباراتی، رویکرد تلفیقی تحت‌اللفظی - اصطلاحی می‌تواند کارآمدتر باشد؛ برای

نمونه، ترجمه بخش نخست به صورت «معلم او را از پشت گردن با دستی سخت و آهنین گرفت، و با شلاق به جان او افتاد»، ضمن حفظ وفاداری به متن، از روانی مناسبی نیز برخوردار است. بنابراین، اگرچه ترجمه موجود قابل دفاع است، اما با توجه به ظرفیت‌های زبان فارسی، برگردانی کامل‌تر و دقیق‌تر نیز امکان‌پذیر می‌نماید.

ترجمه پیشنهادی: روزی معلم او را از پشت گرفت و با شلاق به جان او افتاد.

۲- «حدث ذلك بسبب مؤامرة دبرت إليه من قبل طفلين كانا يجلسان خلفه مباشرة» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۸۱).

«سرمنشا این حادثه دو کودکی بودند که پشت سر سالم نشسته و علیه او دست به یکی کرده بودند» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲:

۹۹).

شاهد مثال تکنیک معادلیابی در عبارت فوق جمله «مؤامرة دبرت إليه من قبل طفلين» (القاسمی، ۲۰۲۲: ۸۱) که مترجم آن را «علیه او دست به یکی کرده بودند» (فاطمی نیا، ۱۴۰۲: ۹۹) ترجمه کرده است و این نکته مثبتی در ترجمه محسوب می‌شود که عباراتی که در متن زبان مبدأ جنبه اصطلاحی دارند؛ در زبان مقصد نیز به صورت اصطلاحی ترجمه شوند و از ترجمه تحت‌اللفظی آن‌ها خودداری شود.

متن عربی	متن ترجمه	ترجمه پیشنهادی
في أحد الأيام امسكه المعلم من قفاه بيد من حديد وراح يسوطه على ظهره واطرافه.	روزی معلم با شلاق به جان او افتاد.	روزی معلم او را از پشت با دستی آهنین گرفت و با شلاق به جان او افتاد.
حدث ذلك بسبب مؤامرة دبرت إليه من قبل طفلين كانا يجلسان خلفه مباشرة.	سرمنشا این حادثه دو کودکی بودند که پشت سر سالم نشسته و علیه او دست به یکی کرده بودند.	سرمنشا این حادثه دو کودکی بودند که پشت سر می‌نشستند و علیه او دست به یکی کرده بودند.

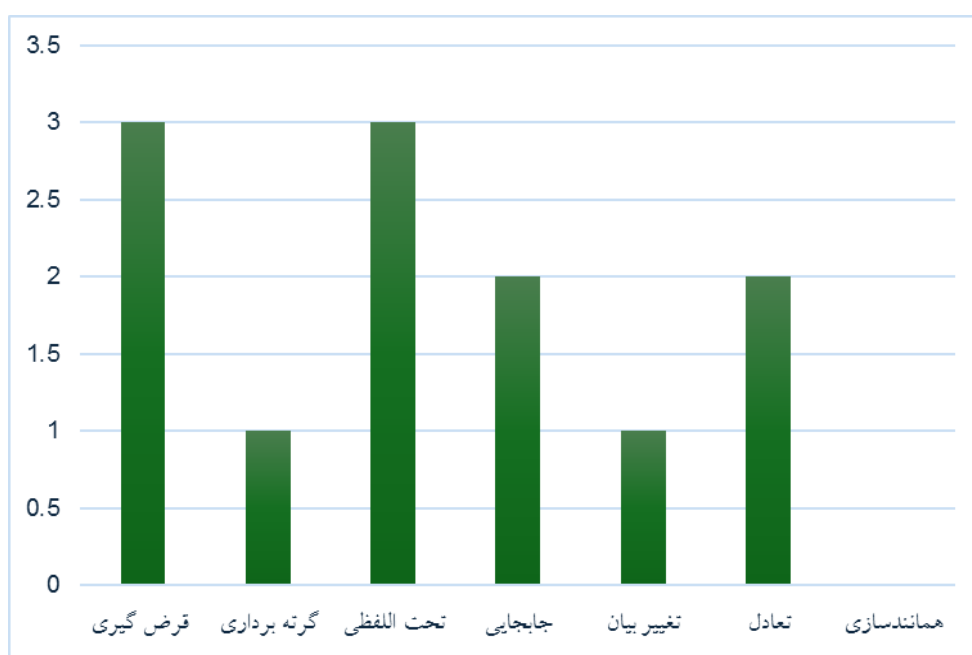
۳-۷. همانندسازی (تطبیق)

آخرین روش در نظریه وینه و داربلنه همانندسازی، تطبیق و یا اقتباس نام دارد و می‌توان آن را جزئی از روش معادلیابی دانست. «همانندسازی یعنی جایگزینی کلمه و مفهومی از متن اصلی که در فرهنگ مقصد وجود ندارد، یا معنی دیگری به ذهن متبادر می‌کند» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵: ۵۳). در این روش که به ترجمه آزاد بیشتر از سایر روش‌ها نزدیک است در واقع مترجم برآن است تا مفهوم یک عبارت را از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل کند اما درصدد انتقال صددرصدی آن نمی‌باشد، بلکه معنای کلی آن را منتقل می‌کند. برخی کتاب‌ها جنبه بین‌المللی پیدا می‌کنند؛ حال اگر این آثار به شکل آزاد ترجمه شوند ترجمه اقتباسی می‌گویند. البته منظور وینه و داربلنه از همانندسازی این نیست که مترجم چنان تغییراتی در متن ایجاد کند که متن ترجمه جنبه تالیفی به خود گیرد بلکه استفاده از این نوع روش تنها در صورت ضرورت برای فهم متن است. بدین معنا که استفاده از این روش وقتی کاربرد زیادی دارد که فهم خواننده مهم بوده باشد. در این ترجمه جنبه‌های فرهنگی زبان مبدأ را در متن ترجمه متناسب با زبان مقصد تغییر می‌دهیم (همان: ۵۳).

با بررسی ترجمه مورد پژوهش آشکار شد که مترجم در خلال ترجمه خود از تکنیک همانند سازی استفاده نکرده است و تنها فقط از شش مورد پیشین بهره گرفته است. از جمله دلایلی که مترجم را برآن داشت تا از این تکنیک در ترجمه خود

استفاده نکند می‌توان دلایل زیر را برشمرد: نخست این‌که تکنیک‌های دیگری مانند تکنیک معادل‌یابی، جابجایی و تغییر بیان که با تکنیک همانند سازی شباهت دارند مترجم را از استفاده از این تکنیک بی‌نیاز کرده‌اند. دوم، از آن‌جایی که این روش «افراطی‌ترین روش ترجمه می‌باشد» (نیازی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۵) لذا مترجم برای این‌که ترجمه‌ای افراطی ارائه ندهد از این روش استفاده نکرده است. همچنین این روش وقتی مورد استفاده مترجمان قرار می‌گیرد که موقعیت‌های فرهنگی در زبان مبدأ در زبان مقصد وجود نداشته باشد اما از آن‌جایی که زبان عربی و فارسی از یک ریشه می‌باشند و اشتراکات فرهنگی و اجتماعی مشابهی باهم دارند مترجم را از به‌کارگیری این روش در ترجمه خود بی‌نیاز کرده است.

به‌منظور ارائه تصویری روشن از بسامد استفاده از هر تکنیک در ترجمه بررسی شده، توصیف آماری زیر بر پایه نمونه‌های تحلیل شده تنظیم شده است:



نمودار ۱: به‌کارگیری هریک از تکنیک‌های هفت‌گانه توسط مترجم

بر اساس جدول بالا، مشخص است که ترجمه‌های انجام‌شده گرایش بیشتری به استفاده از روش‌های ترجمه مستقیم دارند؛ به‌ویژه تکنیک‌هایی مانند قرض‌گیری، ترجمه تحت‌اللفظی و گرتنه‌برداری که وفاداری بیشتری به زبان مبدأ نشان می‌دهند. در مقابل، استفاده از تکنیک‌های ترجمه غیرمستقیم، مانند تغییر معنایی، در سطح محدودتری دیده می‌شود. این توزیع نشان می‌دهد که مترجم در اغلب موارد تلاش کرده است عناصر زبان و فرهنگ مبدأ را به‌صورت مستقیم و با حداقل تغییر در ساختار، به زبان مقصد منتقل کند. همچنین، در برخی نمونه‌ها با بهره‌گیری از تکنیک‌های مقصدگرایانه، سعی بر روان‌سازی و بومی‌سازی متن نیز مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل نمونه‌های منتخب از ترجمه فارسی رمان «تغریبه القافر»، مشخص شد که مترجم از شش تکنیک از هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه بهره گرفته است. بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به تکنیک‌های قرض‌گیری، ترجمه تحت‌اللفظی و گرت‌برداری است که همگی در زمره ترجمه مستقیم (مبدأگرا) قرار می‌گیرند. تکنیک همانندسازی (تطبیق) در نمونه‌های مورد تحلیل مشاهده نشد. در موارد ضروری، مترجم از تکنیک‌های غیرمستقیم مانند تغییر مقوله، تغییر معنایی و معادل‌یابی نیز استفاده کرده است.

در این پژوهش، ترجمه فارسی معصومه فاطمی‌نیا از رمان «تغریبه القافر» بر اساس الگوی هفت‌گانه وینه و داربلنه تحلیل و ارزیابی شد. در ادامه، به‌ترتیب و با اشاره به نمونه‌های بررسی‌شده در بخش تحلیل، مهم‌ترین نتایج حاصل از این تحقیق ارائه می‌گردد:

از میان هفت تکنیک نظریه وینه و داربلنه، مترجم از شش تکنیک استفاده کرده و تنها تکنیک همانندسازی (تطبیق) در نمونه‌های مورد بررسی مشاهده نشد. دلیل این امر را می‌توان در اشتراکات فرهنگی و زبانی نسبتاً گسترده میان دو زبان عربی و فارسی جستجو کرد که نیاز به جایگزینی کامل عناصر فرهنگی را کاهش داده است.

پرکاربردترین تکنیک در این ترجمه، قرض‌گیری بود. برای نمونه، مترجم در عباراتی مانند «غریقة، غریقة» و «يخرج الحي من الميت» بدون ترجمه، واژگان و حتی جملات کامل عربی را به متن فارسی منتقل کرده است. همچنین در نمونه «البيدار» با حذف «ال» تعریف، قرض‌گیری ناموفقی انجام داده که موجب تغییر معنایی ناخواسته شده است. این یافته نشان می‌دهد مترجم تمایل آشکاری به حفظ رنگ و بوی زبان مبدأ دارد.

تکنیک ترجمه تحت‌اللفظی دومین تکنیک پربسامد بود. مترجم در جمله «كان قلق المنتظرين عند حافة البئر يزداد» ترجمه «بر نگرانی افراد منتظر بر لب چاه افزوده می‌شد» را ارائه داده که ساختار عربی را کاملاً حفظ کرده است. در مقابل، در نمونه «في بطنها حياة» ترجمه تحت‌اللفظی «در شکم او زندگی است» با وجود وفاداری، از نظر سبک فارسی تا حدی غریب ارزیابی شد و ترجمه جایگزین «در ژرفنای وجودش، زندگی است...» پیشنهاد گردید.

تکنیک گرت‌برداری نیز به‌طور موفق استفاده شده است؛ نمونه بارز آن ترجمه «حبل المشیمة» به «بند ناف» است که جزء به جزء از زبان عربی الگوبرداری شده و اکنون جزئی از واژگان رایج فارسی محسوب می‌شود.

در تکنیک جابجایی (تغییر مقوله)، مترجم تغییرات ساختاری مفیدی اعمال کرده است. برای نمونه، در ترجمه «رأوا امتلاء الوديان» فعل «رأوا» را حذف و جمله را به صورت «برکه‌ها و نهرها پر از آب شدند» بازنمایی کرده که از نظر بلاغت فارسی زیباتر است. همچنین در نمونه «يسقط على الأرض» افعال مضارع را به ماضی ساده تبدیل کرده که با بافت زمانی داستان هماهنگ‌تر است.

تکنیک تغییر معنایی (تغییر بیان) در ترجمه جمله «كان سالم بن عبدالله يصادف سلام...» مشاهده شد؛ مترجم با اضافه کردن قید «هر بار» ساختار شرطی ضمنی ایجاد کرده که اگرچه به روانی کمک می‌کند، اما ظرف زمانی نادرستی به متن افزوده است. ترجمه پیشنهادی «هر از چند گاه» برای رفع این مشکل ارائه شد.

تکنیک معادل‌یابی در مواردی مانند ترجمه «امسكه المعلم من قفاه بيد من حديد وراح يسوطه» به «معلم با شلاق به جان او افتاد» به کار رفته است. در اینجا مترجم بخش اول عبارت را حذف کرده و تنها مفهوم کلی را منتقل ساخته که از نظر

امانت‌داری قابل نقد است.

بررسی کلی نمونه‌ها نشان داد که ترجمه فاطمی‌نیا گرایش غالب به روش‌های مستقیم (مبدأگرا) دارد و تنها در موارد ضروری از تکنیک‌های غیرمستقیم بهره می‌برد. این رویکرد نشان‌دهنده آشنایی کامل مترجم با فرهنگ و زبان مبدأ و تلاش او برای حفظ اصالت متن اصلی است.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان داد که نظریه وینه و داربلنه ابزاری کارآمد برای تحلیل دقیق ترجمه‌های ادبی از عربی به فارسی است. استفاده آگاهانه از این الگو می‌تواند به بهبود کیفیت ترجمه، کاهش فاصله فرهنگی میان دو جامعه زبانی و افزایش دریافت مخاطب فارسی‌زبان از ظرایف سبک‌شناختی متن اصلی کمک کند. همچنین مشخص شد که مترجم با وجود تسلط بر هر دو زبان، گاهی در کاربرد تکنیک قرض‌گیری (مانند «البیدار») دچار لغزش شده و در تکنیک معادل‌یابی، اختصار بیش از حد به حذف بخشی از معنای اصلی انجامیده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با حجم نمونه بیشتر و مقایسه ترجمه‌های متعدد از یک اثر، به بررسی تأثیر جنسیت مترجم یا سبک شخصی بر انتخاب تکنیک‌های ترجمه بپردازند.

کتابنامه

۱. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۵). *تاریخ ترجمه از عربی به فارسی*. تهران: انتشارات سروش.
۲. ----- (۱۳۹۱). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. تهران: نشر نی.
۳. بندرریگی، محمد. (۱۳۹۰). *المنجد (عربی به فارسی)*. تهران: انتشارات اسلامی.
۴. خزاعی فر، علی. (۱۳۷۰). «تکنیک‌های هفتگانه ترجمه». فصلنامه مترجم. شماره ۳. صص ۲۸-۲۳.
۵. صحرایی نژاد، فهیمه. (۱۳۸۹). «نگاهی دوباره به تعدیل در ترجمه». مطالعات ترجمه. دوره ۸. شماره ۳۱. صص ۲۴-۵.
۶. عزیزمحمدی، فاطمه. (۱۳۸۲). «بررسی برخی فرآیندهای رایج قرض‌گیری در زبان فارسی». علوم اطلاع‌رسانی. دوره ۱۸. شماره ۳ و ۴. صص ۷۴-۷۱.
۷. فاطمی‌نیا، معصومه. (۱۴۰۲). *پیشگوی شگفت‌انگیز*. گیلان: نشر عبارت.
۸. القاسمی، زهران. (۲۰۲۲). *تغریبه القافر*. تونس: دار رشم للنشر والتوزيع.
۹. ماندی، جرمی. (۱۳۹۱). *معرفی مطالعات ترجمه، نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه: علی بهرامی، زینب تاجیک. تهران: راهنما.
۱۰. معروف، یحیی. (۱۳۹۸). *فن ترجمه*. تهران: سازمان مطالعه و نوین کتب علوم انسانی (سمت).
۱۱. نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۱). *غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)*. چاپ دهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. نیازی، شهریار، یوسفی، عطیه، و امیری‌فر، محمد. (۱۳۹۸). «واکاوی بخشی از ترجمه رمان "الشحاذ" بر اساس الگوی ۱۳. نظری وینه و داربلنه». زبان پژوهی (علوم انسانی). سال ۱۱. شماره ۳۰. صص ۴۹-۷۲.
۱۴. نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه (باتکیه بر زبان عربی)*. تهران: سمت.
15. Paul Vinay, J., & Darbelnet, J. (1995). **Comparative stylistics of French and English**. Translated by Juan C. Sager & Marie-Josée Hamel. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
16. Venuti, L. (2004). **The Translation Studies Reader**. New York: London: Routledge.

References

- Al Qassemi, Z. (2022). **Taghriba Al-Ghafir**. Tunisia: Dar Rasham for Publishing and Distribution. [In Arabic].
- Azarnoosh, A. (1996). **History of translation from Arabic to Persian**. Tehran: Soroush Publications. [In Persian].
- _____. (2012). **Contemporary Arabic-Persian culture**. Tehran: Nei Publishing. [In Persian].
- Azizmohammadi, F. (2012) "Investigation of some common borrowing processes in the Persian language". *Information Sciences*. 18(3-4). 71-74. [In Persian].
- Fatimi Niya (Tamimi), M. (2023). **The Amazing Predictor**. Gilan: Publishing the Ebarat. [In Persian].
- Khazaeifar, A. (1991). "The Seven Techniques of Translation". *Translator*. (3). 23-28. [In Persian].
- Mandy, J. (2012). **Translation Studies, Theories and Applications**. Translation: Ali Bahrami, Zeinab Tajik. Tehran: Guide. [In Persian].
- Maroof, Y. (2019). **Translation Technique**. Tehran: Organization for the Study and Modern Humanities Books (SAMT). [In Persian].
- Najafi, A. (2002). **Don't Write Wrongly (The Culture of Persian Language Difficulties**. 10th edition. Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian].
- Niazi, Sh. Yousefi, A. and Amirifar, M. (2018). "Examination of a part of the translation of the novel "Al-Shahaz" based on the theoretical model of Vinny and Darbleneh". *Language Research (Humanities)*. 11(30). 49-72. DOI: 10.22051/jlr.2017.13215.1251. [In Persian].
- Sahraei Nejad, F. (2008). "A second look at adjustment in the translation of translation studies". *Translation Studies*. 8(31). 24-5 [In Persian].
- Niyazi, Sh., & Ghasemi Asl, Z. (2018). **Algouhaye Arzyabi Tarjome (Based on Arabic Language)**. Tehran: SAMT (Organization for Studying and Compiling University Books in Humanities). [In Persian].